

رئیس‌جمهور:

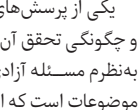
دولت مصمم به امر به معروف و در مسائل اقتصادی و اجتماعی است

رئیس‌جمهور یکی از پیام‌های قیام عاشورا را احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی دانست و با تأکید بر استفاده از ظرفیت مردم در اجرای این فریضه گفت: هرچا به مردم میدان داده شد، موفقیت حاصل شده است. اساسا هنر امام خمینی (ره) و رهبری انقلاب اسلامی آوردن مردم به میدان بود؛ بنابراین نباید از این ظرفیت بزرگ غفلت شود.

۲۸ شهریور ۱۴۰۱ • ۲ محرم ۱۴۴۴ • ۳۱ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۳۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: وزارت اطلاعات: یک سوئدی به اتهام جاسوسی بازداشت شد، پیشگیری از بارداری، بیماری نیست، در باب اهمیت تحصیل دختران افغانستانی در مدارس ایران و یادداشت‌هایی از هومن بهمن‌پور، رضا صدیق

«چگونه می‌اندیشیم؟» تعهد به آزادی



کیومرث اشتریان

یکی از پرسش‌های مهم در جمهوری اسلامی پرسش از آزادی و چگونگی تحقق آن است و اینکه نظام چه نسبتی با آزادی دارد؟ به‌نظرم مسئله آزادی در جمهوری اسلامی ریشه بسیاری دیگر از موضوعات است که از کارآمدی اجرائی-اقتصادی و میدان‌دادن به نیروها و سرمایه‌های ملی گرفته تا سازگاری و ثبات سیاسی، امید و اعتماد اجتماعی را دربر می‌گیرد. بسیاری از مشکلاتمان در گرو اندیشه‌ورزی در باب «سیاست آزادی» و چگونگی اجرای آن است. این نوشتار معطوف به اجرای سیاست آزادی است و نه تعریف و تعیین حدود آزادی. به‌نظرم تا نتوان این موضوع را به لحاظ عملی و سپس ذهنی-نظری حل کرد، همواره دغدغه ثبات سیاسی، امنیت و جابه‌جایی قدرت، تهدید خارجی و… و دورهای باطل حاصل از آن ما را زمین‌گیر خواهد کرد. همه اینها به درجاتی در گرو تعهد ما نسبت به آزادی است و نه تعریف دقیق آن!!! و در گرو بساختن مشارکتی قرائتی سازگار از آزادی با جامعه ایرانی است. این قرائت باید از درون جامعه ایرانی برساخته شود تا پایدار باشد. اگر امروز درگیر مسئله روسیه و آمریکا هستیم، اگر مسئله جابه‌جایی قدرت، پیش‌رسانه و پیش‌دستانه، خود را در تب و تاب مناظرات نشان می‌دهد؛ اگر ما همچنان از کارآمدی اجرائی و گزینش مدیران رنج می‌بریم؛ اگر جامعه دچار تعارض و تناقض و چندچهرگی است؛ اگر نمی‌توانیم در فرایندهای گفت‌وگویی در میان نخبگان به نظریه‌های کم‌بیش روشنی از توسعه دست یابیم؛ اگر و اگر و اگر… همه اینها به درجات گوناگون و البته نه به‌صورت مطلق، به دلیل آن است که ما ایرانیان -هم در درون نظام و هم بیرون آن- «معضله آزادی» را برای نحوه ارتباط خود با دیگری حل نکرده‌یم. شاید برای خود حل کرده باشیم، اما برای ارتباط خود با دیگری (یعنی برای «ما» و نه برای «من») حل نکرده‌ایم. بازیگر آزادی یک تن نیست بلکه همه هستند. نمی‌توان گفت که آزادی آن است که من می‌گویم. آزادی آن است که مفهوم آن را «ما» به‌تدریج و در فرایند تعاملی تاریخی برمی‌سازیم.

برکات آزادی بر همگان روشن است و اتفاقا می‌خواهم همین «برکات» را مبنای سازش و حرکت و «سیاست‌گذاری آزادی» قرار دهم و نه تعریف دقیق از آزادی را. آزادی می‌تواند درون حکومت فضای بهتری ایجاد کند تا دامنه وسیع‌تری از مدیران اداره امور را به دست بگیرند، آزادی می‌تواند سبب شود که حرف‌ها و سخن‌ها امکان ورود به چرخه سیاست‌گذاری را بیابند. نظرات نباید در کلاس‌ها و محفل‌ها و کاغذنوشته‌ها محدود بماند؛ آزادی به آن است که امکان ارائه سخن در چرخه‌های رسمی و غیررسمی حکومت وجود داشته باشد و این سخن «فرصت برابر» برای قدرت‌یابی در عرصه سیاسی داشته باشد و الا در تاکسی‌ها و فضاهای عمومی هم که هر چیزی را می‌شود گفت و شفت. با گفت‌وگوی آزاد است که می‌توان به درک آزادی نائل آمد، درک مدیریتی را در میان فعالان سیاسی-مدیریتی صیقل داد. آن را به درون حاکمیت گسترش داد و قدرت ملی را درون حکومت نهادینه کرد. اما مشکل اصلی ظاهرا این نیست که قبول داشته باشیم آزادی خوب است یا چنین برکاتی دارد. این را همه می‌گویند؛ مشکل اصلی این است که چگونه نهال آزادی را بکاریم و توموندش کنیم؟

به‌نظرم یکی از مهم‌ترین موانع آزادی آن بوده است که خواسته‌ایم آن را ابتدا دقیقا تعریف و سپس اعمال کنیم. شاید این خود یکی از مهم‌ترین خطاها بوده است؛ در چنین حالتی، «تحقق آزادی» تعلق به محال می‌شود. امکان تعریف دقیق آزادی با توجه به سلائق گوناگون وجود ندارد و این مفهوم آنچنان پیچیده است که ما را دچار فرسودگی می‌کند. راه‌حل چیست؟ راه‌حل آن است که پیامروان همین «برکات آزادی» که هر کس از ظن خود یار آن شده است، «تعهدی» ایجاد شود. فعلا همین، یعنی همگی بپذیریم که «قدر مطلق» آزادی (با آزادی مطلق اشتباه نشود) به سود همه است. آنگاه که چنین شود به «برساخت آزادی» در یک فرایند تاریخی و تعاملی می‌پردازیم. مثل این است که همگی معتقد و متعهد باشیم که یک سرنپناه برای انسان خوب است. این سبب می‌شود که به هر حال سرنپانهی ساخته شود هرچند که ممکن است همه سلائق را کاملا راضی نکند. آزادی از چنان ظرفیتی برخوردار نیست که بتوان آن را دقیقا تعریف کرد. اگر بخواهیم پس از تعریف آن را از طریق آیین‌نامه‌های دقیق به اجرا درآوریم، هیچ‌گاه به آن نمی‌رسیم. آزادی یک مفهوم حکمت است. تلاش متفکران و فعالان سیاسی باید بر آن باشد که همگان به این شعور و حکمت برسند که این «قدر مطلق» به نفع همه است و با هر میزان از تحقق باید به نفع همه باشد. در نوشته‌های تخصصی «صورت‌بندی و حل مشکل» برای حل یک مشکل پیچیده و غامض (Wicked Problem) آن را به یک فرایند مشارکتی می‌سپارند. این خود یک روش است که به جای اینکه به یک «راه‌حل» برسیم به «برساخت» مشارکتی راه‌حل «تعهد» بسپریم. یعنی با یک توافق ملی تلاش می‌کنیم که با هم بسازیم. همچون ازدواج، تعهد می‌سپاریم که «با هم بسازیم». نمی‌دانیم که در آینده زندگی مشترک «دقیقا» چه پیش خواهد آمد ولی فرض بر این است که قرارداد می‌کنیم که با شراکت زندگی را بسازیم.

ادامه در صفحه ۵



یکشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۱ • ۲ محرم ۱۴۴۴ • ۳۱ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۳۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

گزارش «شرق» از سیل‌های ویرانگری که نتیجه دخالت‌های انسانی و تجاوز به حریم منابع طبیعی هستند

پاسخ طبیعت

گزارشی از ویرانی‌های «مونسون»؛ ۶۱ هم‌وطن جان دادند، ۲۴۰ خانه تاریخی آسیب دید و سد دهج شکست

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



• عکس: امیر جدیدی

می‌دونی؟ بابام گفته این‌دفعه باید سه سال بمونم…». این دومین بار است که نیکی میهمان این کمپ است، بار اول سه ماه اینجا بود، با مصرف کتامین، شیشه و حشیش در ۱۶سالگی وارد کمپ شد. بعد از سه ماه باکی فقط چهار ماه دوام آورد، جرت‌زدن‌های گاه‌وبیگاه و خواب‌های مداوم و برگشتن به زمین بازی (محل مصرف) باعث شد این بار برای یک سال او را به کمپ بفرستند. نیکی شاگرد اول رشته گرافیک، باهوش و قشنگ است. شرایط کمپ را با زندان مقایسه می‌کند و می‌گوید: «بین اینجا زندگی تو شرایط سخخته، تازه اینجا با اینکه مجوز نداره، اما جزء کمپای خوبه. حداقل غذای بهتری بهت می‌دن. بعد هم چون من رو صاحب کمپ دوست داره، شرایط برام بهتره…» می‌پرسم: «تو چی؟ دوستش داری؟». ناگهانی به ایوان می‌کند و زری، صاحب کمپ را می‌بیند و می‌گوید: «اره…» بعد با چشم و ایرو اشاره می‌کند که بعدا صحبت می‌کنیم…»

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

یادداشت

اقتصاد ملی و جوانان بلا تکلیف



ناصر ذکری

کارشناس اقتصادی

اخیرا آمار متناقضی درباره وضعیت اشتغال جوانان از سوی مراجع رسمی منتشر شده است که تصویری بسیار نگران‌کننده از وضعیت موجود را نشان می‌دهد. مرکز آمار ایران تعداد جوان‌های بین ۱۵ تا ۲۴ ساله را که نه در حال تحصیل هستند، نه شاغل‌اند و نه درحال مهارت‌آموزی، ۲۹.۴ درصد اعلام کرده اما براساس اطلاعات منتشر شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این رقم ۷۷.۴ درصد است.آمار جوان‌های بلا تکلیف که در محاورات کارشناسی NEET نامیده می‌شوند، آمار بی بسیار مهم و درخور تامل است؛ زیرا تصویری گویا از آینده توسعه جامعه را نشان می‌دهد. جوانان در هر جامعه‌ای یکی از ارزشمندترین سرمایه‌ها برای تداوم حیات آن هستند و کشوری که در آن جوانان بلا تکلیف باشند، نه آموزشی دریافت کنند، نه مهارتی بیاموزند و نه در حال فعالیت سالم اقتصادی باشند، نمی‌توانند مدعی تدارک‌دیدن آینده بهتر برای خود باشند. نکته اول که در این مبحث باید مورد توجه قرار بگیرد، وجود تناقض عجیب در آمارهای رسمی است. اگر بپذیریم که شناخت مشکل و درک صحیح صورت‌مسئله اولین قدم در مسیر تلاش برای حل آن است، باید گفت این تناقض نشان آن است که متولیان امر هنوز درک درستی از اهمیت ماجرا و عظمت ابعاد آن و ضرورت چاره‌اندیشی برای آن ندارند. نکته دوم این است که شیوه برخورد جامعه ما با این دارایی ارزشمند چندان متفاوت با شیوه استفاده از سایر دارایی‌ها و سرمایه‌های ارزشمندمان نیست. همان‌گونه که در سایه بی‌تدبیری و برخورد‌های غیرکارشناسی منابع آب زیرزمینی را به بدترین نحو ممکن تخریب کرده‌ایم، همان‌گونه که ابایی از تحمیل هرگونه آلودگی به محیط زیست شکننده و در حال تخریب کشورمان نداریم، همان‌گونه که موقعیت‌های ارزشمند توسعه کشور و برگ‌های برنده خود را بدون کوچک‌ترین نگرانی از دست می‌دهیم و فرصت‌های رشد و توسعه را خیلی سهل و آسان در اختیار رقبای منطقه‌ای خود می‌گذاریم. جوانان، این ارزشمندترین سرمایه جامعه را نیز قدر نمی‌دانیم و برای استفاده بهینه از آنها برنامه‌ریزی نمی‌کنیم.سومین نکته قابل‌تامل جایگاه کشورمان در رتبه‌بندی جهانی است. حتی اگر آمار منتشره از سوی مرکز آمار را بپذیریم که درصد جوانان بلا تکلیف را ۲۹.۴ درصد می‌داند، فقط ۲۶ کشور که البته عمدتا کشورهای فقیر آفریقایی هستند، وضعیتیت بدتر از ایران دارند. اما اگر آمار اعلامی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را بپذیریم، هیچ کشوری حتی فقیرترین کشور جهان هم به پای ما نمی‌رسد. ممکن است ادعا نشود آمار اعلامی وزارت دقیق نیست، اما همان‌طور که اشاره شد، بدیقترن این ادعا هم مشکل را حل نمی‌کند و حتی با فرض صحت اطلاعات مرکز آمار، باز هم کشورمان شرایط بسیار نامطلوبی در این حوزه دارد. نکته چهارم که باید مورد مذاقه قرار بگیرد، کیفیت است.

ادامه در صفحه ۴

پیام رهبر انقلاب اسلامی در پی حادثه سیل در کشور:

مسئولان تدابیر لازم را برای ترمیم آسیب‌های سیل به کار بیندند

از حضور سریع مسئولان و تلاش گروه‌های امدادی تشکر می‌کنم

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: در پی حادثه خسارت‌بار سیل در بسیاری از نقاط کشور، رهبر انقلاب اسلامی در پیامی ضمن تسلیت به مصیبت دیدگان، از حضور سریع مسئولان و تلاش گروه‌های امدادی برای کمک به سیل‌زدگان تشکر کرد و دادامه این اقدامات و تلاش‌ها را خواستار شدند.

صفحه ۴



۳

درفت وگوکو با رحمن قهرمانپور بررسی شد

ایران ودوران پسا آستانه؟!

گزارشی از ناآرامی‌های چندروز اخیر در بغداد

عراق؛ از بن بست سیاسی تا هرج و مرج خیابانی

کاپیتان تیم ملی ایران در جام جهانی کیست؟

معمای یک تکه پارچه

یک سال پس از زن‌کشی رخ‌داده در رومشکان:

قاتل مبینا آزاد است خبرنگار در انتظار حبس

مجتهدزاده، وکیل دادگستری: بررسی این پرونده نیازمند نماینده ویژه‌ا‌ه‌ای و نگاه دقیق‌تر است

۱۰

یادداشت روزنامه‌نگاران

سیل، بدحجاب‌ها و گشت ارشاد را برد؟!



محمد مهاجری

از دو سه هفته قبل یک سیل در جامعه راه افتاده بود علیه بدحجابی. آخرش معلوم نشد از کدام کوه سرچشمه گرفت و چه کسی عامل جاری‌کردنش بود اما همه دیدیم که زود بر موج افکار عمومی سوار شد، اعصاب جامعه را تحریک کرد، بدخلقی‌هایی آفرید، خشونت‌هایی به همراه آورد، مقالات و سخنرانی‌هایی درباره آن ایراد شد و… در آن میان شاید متوجه نبودیم که آن سیل چه چیزهایی را خراب کرد؛ سیلی که فقط علیه بدحجابی نبود، علیه خود حجاب هم بود… یکی گفتی بدحجابی خلاف شرع است، آن دیگری از حجاب اجباری حرف زد و سومی برای اینکه خودش را آرام کند نوشتت که رعایت حجاب قانون است و همان‌طور که پلیس با نیستن کمر بند ایمنی برخورد می‌کند، باید با بدحجابی هم مقابله کند. دیگری هم در فکر این بود که این را هم چنا بیاندازد که اسم واقعی گشت ارشاد، گشت امنیت اخلاقی است غافل از آن‌که برای سیل، هر دو فقط خوراکی خودی برای بلیعبده‌شدن بود.

ما به سیل عادت داریم. در هر انتخاباتی سیل راه می‌افتد. گاهی یک کاندیدا همه گذشته‌ها را ویران می‌داند و گاهی نامزدی دیگر، سیلی از وعده‌ها را روانه جامعه می‌کند. یک بار سیل اصلاحات می‌خواهد ارزش‌های دینی را بشوید و ببرد و گاهی سیل ارزش‌گرایی، از روی مردم و خواسته‌هایشان رد می‌شود. یک بار این سیل، راه می‌افتد تا زندگی کاسیان تحریم را فلج کند، یک بار هم کاسیان تحریم، سیل راه می‌اندازند و برجام را غرق می‌کنند. یک بار سیل به سفارت عربستان و انگلیس یورش می‌برد و یک بار هم مردم را پای صندوق رأی می‌کشاند و کسی از صندوق درمی‌آید که بعضی‌ها خوششان نمی‌آید. برگردیم به حجاب… اگر بیانات مقام معظم رهبری در جمع ائمه جمعه نبود و ایشان بر برخورد منطقی و اقلانعی با موضوع بدحجابی تأکید نمی‌کردند، معلوم نبود سیل خروشان‌تی که راه افتاده بود، به کجا می‌رسید. بدحجاب‌ها شناس آوردند! که سیل خشم طبیعت، آنها را فعلا از تیررس دور کرد، اما تجربه می‌گوید قرار نیست این سیل‌ها تمام شود. مدتی می‌گذرد و سیلاب‌سازان از جای دیگری سر بر می‌آورند و مضمون تازه‌ای کوک می‌کنند و بازی جدیدی راه می‌اندازند.

ادامه در صفحه ۵

پیش‌فکری توسعه‌وخانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌کنند

نشست رونمایی از کتاب توسعه

تیین مفهوم توسعه وجایگاه کشورهای جهان در شاخص توسعه پویش

رجوع به صفحه ۱۱